



۱۶ آذر

فوق العاده

ویژه مقاومت

سال اول شماره ۱۱، سه شنبه ۹/۲/۵۹، قیمت ۱۰ ریال

دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر:

جمع بندی مقاومت حماسه آفرین دانشجویان انقلابی (دانشجویان هوادار پیکار، مبارزه، هوادار راه کارگر و پیشگام) در خیابان مقاومت (خیابان ۱۶ آذر)

وسازشکاری و انحصار طلبی رفقای پیشگام و فدائی

مقدمه:

کذا شدند و چندین رندانی که برخی تیرباران و برخی به حبس ابد محکوم شدند. در کردستان ده‌سشتی و وحشیگری با کشتار مردم بیگناه قه لانتان بسنه اوج خود رسید. به سندیج و سقز چندین بار محلسه شد و در سراسر ایران چندین انقلابی چون رفیق حسین بر، سرور شدند.

دیگر دندانه‌های تیز و جنگا لهای کزیه هیئت حاکمه برای دریدن انقلاب از پشت ماسکهای دروغی و ضد امپریالیستی و آزادخواهی رژیم کاملاً هودا شده بود. بار دیگر زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر با اعلان سال ۹۹ میلادی "سال امنیت" رژیم، اهداف هیئت حاکمه را از امنیت افسانها ساخت و کمالاً مشخص ساخت که هیئت حاکمه قصد ارتداد و گورستان امنیت آریا مهری را بر نماند و انقلاب بنا نهاد در راه آزادی جنبه جنابیتی فروگذار نخواهد کرد. ما نیز در ۱۶ آذر شماره ۹ در تحلیل پیام نوروری جنبیتی در مقاله پیام نوروری، ظلمه سرکوب و ماجرای خنده بورژوازی ضد امپریالیست گفتیم که ظلمه سرکوب هودا شده است. اما در این میان نیروهای انقلابی چون مجاهدین و فدائیان که فریب نمان شیرینی رود گذر هیئت حاکمه را خیره و در دام هیهوهای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و اختلافات عراق فرورفته بودند، نحای آمادگی در مقابل سرکوب عملاً توهم بوده. ما را دامن میزدند. چنانکه دیدیم حتی در راه بیماری اعلان شده از سوی جمهوری اسلامی و بنی مدر در جمعه ۲۲ فروردین ماه نیز شرکت کردند و با راهیمانی در روز و حسد کذائی که هیئت حاکمه از آن بعنوان آزمونی برای پایه بوده ای خویش استفاده کردند تا با نشانی در هفته بعد، بیورش به انقلاب راستانه آرا کند. عملاً آب به آسیاب رژیم ریختند.

اهدای هیئت حاکمه ریختند. هیئت حاکمه خود را برای سرکوب انقلاب و کسر قتن همه دستاوردهای پیام خونین بهمن آماده می کرد چرا که نمی‌تواند هیئت حاکمه ای به بازای کامل همه نهادهای سرمایه داری وابسته بر غیره و در جهت منافع امپریالیسم کام سردار دویسار توده ها، زحمتکاران و انقلابیون تلاقی نکند. طبیعی است هم چنانکه دیالکتیک تاریخ بسا می آموزد یکی با یکی دیگری را پس زند، بسا توده ها و انقلاب پیروز شوند و پرچم ظفر نمون خویش را بر سر امپریالیسم در اهتزاز آورند، بسا ضد انقلاب، انقلاب را خفه کند و بسا به توهم خویش را بر سرین خون گرفته باز هم بگسترند، راه سومی وجود ندارد.

حمله به ترکمن صحرا و کشتار رهبران انقلابی خلق ترکمن با رژیم سیاست سرکوب رژیم را بر مسلا کردند نشان داد که هیئت حاکمه بهر قیمت خواهان استقرار کامل سرمایه داری وابسته و ناپسندی انقلاب است.

اما فدائیان خلق که در سرکس صحرا نیروی مسلط بودند بجای مقاومت جنبش را به انفعال کشانیدند و عملاً به هیئت حاکمه اجازه داد تا خلق را سرکوب کند و خود توده ها را تنها در مقابل نیروهای مسلح ضد خلق واگذاشت بجای آنکه با قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی با بیستد، بیروزی آمان ارتجاع در ترکمن صحرا، رژیم را جرئت ساخت، بیورش به خلق کرد تا از خود در سراسر ایران هرگاه که توده ها بسا خاستند، رگبار مسلطهای آمریکا ای از خشکیها بسا دران سرمایه وارشی ضد خلقی بر افسوس سلاب باریدن گرفت. نظاره ات آرام کارگران پیکار اندیشک به خون کشیده شد. زحمتکاران ما شهید در خون نبودند و کارگران درود چندین شهید برجای

ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پس از واقعه ۰ سفارت از دیماه ۵۸ ما را هوارها هشار داده بود که هیئت حاکمه با هابوی و جنجالهای دروغین ضد امپریالیستی اش هدفی جز تثبیت خود، پوشاندن شکست مفتضحانه اش در کردستان و دامن ردن به توهم توده ها برای سوار شدن بر جنبش برای آماده شدن در بیورش بعدی به خلقها و زحمتکاران نماند. سر حوادث نیز چنین واقعیتی را بطور عریان نمانان ساخت و نشان داد که هم آوازی ظاهری هیئت حاکمه با موج ضد امپریالیستی سرخاسته از بطن توده ها جز پوششی برای جلب اعتماد بیشتر توده ها می که هر روز بیشتر از دورش برانگیزد می شدند نبود. نشان داد که هیئت حاکمه این هم آوازی را جز در خدمت ترمیم و تثبیت پایه نظام ضربه دیده سرمایه داری وابسته و استحکام قدرت سیاسی خویش بسنطور مقابله جوئی هر چه سرحتوبیا امواج انقلاب شلی خواهد.

هشار ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در پیکار ۴۱ که نفته رژیم را برای سرکوب سستی دوباره بر ملا کرد می توانست برای همه نیروهای انقلابی رهنمودی صحیح برای مقابله بموقع باشد. ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بدستی خیرا سیاست سرکوب رژیم میداد و بسا از انقلاب بنی مدر به ریاست جمهوری نیز بدستی سخن از بر نامه حساب شده، بنی مدره اعسلا.

سیاست بنی مدر که چیزی جز سیاست نمائی و نشان شیرینی نبود که. اما نیروهای انقلابی دیگر بسا از بیکزاک هیئت حاکمه در واقعه سفساسارت بنش از پیش بدام اندیشه های رویزیونیستی ولیمبرالی افتاده از تحلیل درست تراتط عقب مانده عملاً در بسیاری از مواقع آب به آسیاب

برافراشته تر باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک!



بهر حال تمام جناح‌های هیئت‌ها که در جهت عقبه کردن انقلاب حرکت می‌کردند و برتا می‌خوردند نیز در پناه می‌نوروزی‌ها اعلام کرده بودند و رفتند تا چنانچه باقی راکه پس از ادغام شورای انقلاب و دولت در مرداد - شهریور گذشته انجام داد اما به شکست کشیده شده بودند این بار به یمن جناح‌های دروغین خدا میربا - لیستی به پیروزی برسانند و برای همیشه از شر انقلاب و جنبش توده ای خود را برهانند. چنین بود که حمله به کردستان و حمله به سراسر دانشگاه‌ها آغاز شد.

کردستان دژ شوراهای مسلح توده ای و قطب‌بسی نیرومند در مقابل ارتجاع بود. عقبه کردن انقلاب بدون سرکوب کامل خلق دلاورکردنی - توانست به سرانجام برسد. پس طبیعی بود که بایستی این بار با فاشتوم ، تانک و توپ سراسر کردستان گلوه باران شود. اما چرا همزمان به دانشگاه‌ها یورش برده شد ؟

الف: چرا ارتجاع به دانشگاه‌ها حمله کرد؟

دانشگاه‌های ایران همواره دژی مستحکم برای انقلاب دمکراتیک میهن بوده اند. دژی که بخصوص پس از سالهای ۲۲، رژیم شاه خاشاک غلیبرغم همه حملات و سرکوبها و تیربارانها و شکنجه‌ها و زندانها نتوانست آنرا کاملاً متح کند. پس از سرکوب و گشتار آتش زپس خاکستر در دانشگاه‌ها شعله ور میشد و جنبش بود که توده های خلق در تبریز - شان در سالهای ۷۵ و ۶۶ در دوران اعتلا و جنبش موقعیت انقلابی به دانشگاه لقب سنگر آزادی - دادند و عملاً خود نیز مرکز نظارت را به دانشگاه می‌گشایند. دانشگاه‌ها در طی این دوران بصورت قلب انقلاب ، توده های زحمتکش را به خود بسی پذیرفت و در حقیقت انتقال نظارت و اجتناب‌ناک توده ای به دانشگاه از سوی مردم نشانه حق شناسی و سیاسی توده های مبارزان - دانشجویان انقلابی در سالهای سیاه محمدرضا شاه بود که مدها دانشجوی شهید و همواران زندانی بر علیه رژیم شاه به خلق هدیه کرد.

دانشگاه‌ها بخوبی مبارزه طبقاتی بطن جا مده را در خود منعکس می‌کرده اند و نیروهای انقلابی همواره در درون دانشگاه‌ها بیکایک‌ها می‌جنگیده اند. و جنبش‌ها که دولت پس از قیام بهمن و بخصوص پس از ادغام شورای انقلاب و دولت بدست آورد ه‌های انقلاب هموم می برد که در سطح جامعه توانست بحیاری از دستا وردهای توده ها را با زپس بگيرد اما ، آزادی در دانشگاه‌ها را نتوانست سرکوب کند. گرچه محدودیت‌های فراوانی ایجاد کرد. اما آزادی در دانشگاه شعله می‌کشید. در حقیقت ستا وردهای قیام در دو مورد همچنان تا حدودی حفظ شده بود :

- ۱- دستا وردهای قیام بهمن در کردستان ، یعنی شوراهای مسلح خلق .
 - ۲- آزادی در دانشگاه‌ها که غلیبرغم محدودیت‌های اما به یمن مقاومت دانشجویان انقلابی همچنان تا حدودی برپا بود.
- رژیم نمی توانست انقلاب را عقبه کند مگر آنکه کردستان و دانشگاه را سرکوب می‌کرد و پس از آن - بزم خویش سرکوب دیگر مبارزان خلق کارآمانی برایش میشد. چرا که توانسته بود در طی این مدت بهم کردستان و دانشگاه در دیگر مواج تا حدود -

زیادی دستا وردهای قیام بهمن را با زپس بگيرد رژیم برای تثبیت خویش ، برای نجات دادن - خود از دست بحران‌های اقتصادی و سیاسی - بسوی سرکوب پیش میرفت .

بحران اقتصادی رژیم هر روز عمیقتر میشد. چرا که این بحران‌ها ناشی از وابستگی به سرمایه امپریالیسم و انتقال بی وقفه بحران‌های امپریالیستی به ایران بود. بحران‌های آنچنان عمیقی که رژیم شاه را سرنگون ساختند بود - هیئت حاکمه به قدرت غریبه پس از قیام از آنجا که در جهت حفظ و تثبیت همان نظام سرمایه داری وابسته حرکت میکرد. طبعاً همه سرمایه‌ها و دردهای این نظام را نیز چون جویبه داری همواره با خود حمل می نمود.

بحران اقتصادی لاینحل ، برابر با دمبارازه توده ای می افزود. خلق‌های کرد ، ترکمن ، عرب بلوچ برای حق خودمختاری در چهار چوب جمهوری دمکراتیک خلق بپا خاسته بودند. جنبش دهقانی هر لحظه بیشتر اوج گرفته و جنبش کارگری بخصوص در بهمن و اسفند ، چشم انداز تاریکی را در مقابل انقلاب و دورنمای سیاهی پراز وحشت مرگ را برای رژیم نمایان ساخت. اعتلا انقلابی در سراسر ایران که بپا خاسته‌های اندیمتک و درودوما شهر گواه آن بود ، بهمراه موقعیت انقلابی در کردستان رژیم را بسیار وحشتزده کرده بود. رشد و گسترش بیش از پیش نیروهای انقلابی و توده ای شدن این نیروها ، عرق مرگ بر اندام سرمایه رژیم می افکند و بر تشاهای درویش نیز می افزود. اختلاف درونی هیئت حاکمه بر سر شیوه ، اگوتناگون سرکوب مبارز توده ها و اروپا روشی با جنبش خلق ، در با لا نیز ترک می‌افکند و بحران سیاسی همه جانبه‌ای را در کنار بحران اقتصادی رژیم برایش تدارک می دهد. چنین بود که رژیم برای نجات خود از - چنگال بحران وسیع اقتصادی و سیاسی و جنبش در حال اعتلا توده ها ، راهی جز سرکوب برای خود نمی یافت. سرکوب انقلاب ، گرچه بخششی از هیئت حاکمه (جناح بنی صدر) مودیانسه وزیر کانه میکشید یا آنان شیرینی های مظهرش و با چشکهای کشیش به برخی نیروهای انقلابی و با کشاندن نیروهای متزلزل بسوی خود ، صاف انقلاب را ضعیفتر سازد و گرایشات رویز و یونیتمیز تشدید یافته رفقای فدائی و گرایشات لیبرالی تشدید یافته مجاهدین خلق نیز به مراتب برای توطئه های بنی صدر کمنگی برای سیاست سرکوب هیئت حاکمه بود. چرا که همراهی کلیه نیروهای انقلابی در یک صف متحد برای مقاومت در مقابل فدا انقلاب طبعاً " میتوانست سربا " پوزه ارتجاع را بپاک بمالد.

هیئت حاکمه در شرایطی بسوی سرکوب میرفت که وضعیت غامض نیروهای انقلابی نیز با طبع داشت و خود به تشدید گرایشات رفرمیستی آنان دامن می زد.

بهر حال رژیم برای تثبیت خویش و بسوی نجات بیش از پیش به سرنیزه تکیه می کرد. کردستان و دانشگاه دوسوی نشانه او بودند. و بسا تمام نیرو بسوی این دو سنگر مستحکم انقلاب دمکراتیک میهن نشانه رفت ، اومی اندیشید اگر دانشگاه و کردستان را خاموش سازد و با احتیاطی نیروهای انقلابی را میتوانند قلع و قمع کند و بدین ها طرف مقاومت این دو سنگر مستحکم در شرایط و بسوی کتونی بعضی کوبیدن فدا انقلاب و جنبشات انقلاب در حقیقت با یورش ارتجاع به کردستان و

دانشگاه انقلاب و فدا انقلاب درگیر یک جنگ حیاتی و معاشی شدند. ما می دانستیم که اگر مقاومت کنیم جنبش اوج میگردد و بعموم هر چه زودتر گامهای بیرونی را برای قهرمان برای پرچم‌سازان مبارزان دمکراتیک میهن شنیدند. اما این جنگ و رژیم را نه تنها به عقب نشینی بلکه به سرنگ می کشاند و ارتجاع نیز میدانست که اگر انقلاب را در این زمان عقب نکند ، انقلاب هر لحظه نیرومندتر میشود و نیروهای انقلابی با توانایی بیشتر گردد و همدما و در راهم خواهند شکست. دورنمای رشد نیروهای انقلابی در آینده ، آوار به هراس افکنده و به یورش سریع و فوری به انقلاب فرامیخواند.

پس رژیم آماده یورش به کردستان و دانشگاه شد.

ب: رژیم به دانشگاه‌ها حمله می‌کند

چند هفته پیش به اصفهان ، امیر سلیم سرپرست شهریاری جمهوری اسلامی ، بخشنامه ای برای دانشگاه‌ها گسیل داشته شد و در آن اجتناب از نظارت ممنوع اعلام شد. این اولین گام برای یورش به دانشگاه بود. نیرومندی دانشجویان عملاً مانع اجرای این بخشنامه ارتجاعی شد و رژیم نیز بیش از پیش دریافت که دانشگاه را با بخشنامه نمی توان عقب کرد. ماجرای دانشگاه انقلاب اسلامی دانشگاه ملی نیز نتوانست اهداف او را بر آورد و جنبش تشدید که حرکتی سازمان یافته به دانشگاه‌ها آغاز شد.

حرکت اعتراضی آمیز دانشجویان مبارز تبریز در جلسه سخنرانی رفسنجانی در دانشگاه بهانه ای برای عملی کردن نقش ارتجاع گردید. دانشگاه تبریز اشغال شد و بدیناقل آن آوارگ در این میمان انجمن دانشجویان مسلمان ، اسنادی را منتشر کرد که رژیم بطور سازمان یافته فدا اشغال دانشگاه‌ها را دارد. چهارشنبه ۲۷ فروردین - علم و صنعت ، بیمه و چند مدرسه عالی دیگر اشغال شد و پس از پنجشنبه بهمدینه دیگر دانشگاه‌ها ایران یورش بردند. حمله به دانشگاه شبساز صدها زخمی بزجای گذاشت. حمله به دانشگاه مشهد دهها زخمی و یک کشته بزجای گذاشت. حمله به دانشگاه پلی تکنیک و سپس تربیت معلم و حمله به دیگر موسسات عالی در تهران یورش همه جانبه رژیم را افشا کرد. مقاومت دلیرانه دانشجویان دانشگاه تربیت معلم (در جمعه ۲۹ فروردین) دو شهید بزجای گذاشت .

روز جمعه ۲۸ فروردین ، با پیام " شورای انقلابی و نیز سخنان امام جمعه تهران که بشدت علیه نیروهای انقلابی سیاسی و تحریک کردند حمله به دانشگاه های سراسر کشور تشدید شد. شورای انقلاب ورژین جمهوری که در روز جمعه نزد خمینی رفته بودند ساعت ۲ اطلاعیه شدیدالبعنی گسیه به اصفهان کلیه جناح‌های هیئت حاکمه رسیده بود. را از زاده ، تلویزیون پخش کرده و به نیروهای انقلابی تا روز سه شنبه صبح مهلت دادند که دانشگاه‌ها را تخلیه کنند.

پیش از آن نیروهای اشغال گردان شده های مختلف با بهانه های انقلاب فرهنگی و تعقیب دانشجویان از عمارت رژیم سابق دانشگاه‌ها را با چوب و چماق فتح کرده بودند و خواهان تعطیلی دانشگاه‌ها برای انجام این امور شده بودند تا اکنون شورای

قطعنامه مشترک پایداری، تحصن و مقاومت در خیابان

ساعت ۴ صبح سه شنبه ۲۹/۲/۵۹

مردم نهران، دانشجویان انقلابی

همزمان با یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان و نیز خنک و خون کشیدن مبارزان کارگران، بیکاران از اندیشمندان و دورودنا ما هیرو... سرنا مه ای منظم حساب شده برای نخون کشیدن دانشگاه و سرکوب نیروهای انقلابی به اجرا درآمد. بدین ترتیب در پی توافق کلیه جناحهای هیئت جامعه حرکت برای منع فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی وحشی ناسودی فعالیتهای صغی مانند اتاق کوهنوردی، کتابخانه دانشجویی و... سازماندهی میشود.

سپاه پاسداران با یاری بیدریغ باندهای سیا و حزب جمهوری اسلامی یورش وحشیانه خود را به دانشگاههای ایران آغاز میکنند. از صیقلاتنا مشهود در خود نهران خون پاک دانشجویان انقلابی با دیگر سنگسارهای حیا بانها و دانشگاهها را ارتکب میکنند و خون دلوران کرد، میادان انزلی و بیگار ان اندیشمندی بیوندد.

ما بندهای و مایع اخیر دانشگاه درودنی فرستیم و قاطعانه در ادامه راهتان می کوشیم. در این میان حماسه دلآوری و مقاومت دانشجویان مستقر در خیابان ۱۶ آذر، خیابان مقاومت در روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین و اول اردیبهشت همیشه در تاریخ مبارزات طغیان ما ثبت خواهد شد. بدین ترتیب ما مستقیم:

۱- حماسه دلآوری دانشجویان انقلابی در چند روز اخیر ارزش بزرگی در تاریخ انقلاب ما خواهد داشت و تا شیرخویش را بر شریک انقلابی با افروندن امواج بیگران سرخیش خلق خواهد گذاشت. ارتجاع با مقاومت تودهها می فهمد که ما در سخا هدو نوده های رزمنده میهن را بسا دگی در هم نکتند. ما هر سنگ را با جان بازی و مقاومت حفظ می کنیم و در صورت ترک آن سبکو، آبرو به قسطنطنیه پس گران به ارتجاع و اگذا رمی کنیم. حماسه شهادت چندین تن از فرزندان دلاور خلق در خیابان ۱۶ آذر و دانشگاه نهران سندی از پیوند خونین مبارزان دانشجویی با مبارزات خلق خواهد بود.

۲- ما تا آرزو نگار رژیم را به دانشگاه و یخون کشیدن دهها تن از دلاوران خلق را جزئی از سیاست سرکوب رژیم که در سازماندهی میسود، توطئه ارتجاع و امیرالیمدان نشسته مطمئنیم این جنایات به طاب داری برای رژیم تبدیل خواهد شد.

۳- فعالیت سیاسی در دانشگاه وحشی است که به سیرا ران، نه تنگنه و نه زندان هیچک نمی تواند از بیگیری آن در جهت منافع رخصکان و ناسودی امیرالیم ما را با زدا رد. ما هم چنانکه در زیر شکنجه های آریا مهری به مبارزه سیاسی انقلابی خود ادامه دادیم، در هر شرایط نیز از نا نا نا بودی کامل دشمنان خلق ادا ما خواهد داد.

۴- ما شورا های واقعی دانشجویی که در شرایط دمکراتیک برگزیده میشوند را بعنوان نمایندگان دانشجویی برای صفیه ما صرا و اک و وابسته به رژیم سابق و شرکت فعال همه گروههای سیاسی انقلابی را برای ناسودی سیستم آموزش وابسته به امیرالیم ضروری میدانیم. هر چه معتقدیم تنها در جامعه ای برهبری طبقه کارگر است که آموزش انقلابی و غذا امیرالیم سنی سرشار میگردد.

۵- ما فعالیت صغی - سیاسی را که حتی رژیم شاه نتوانست در هم کوبید در درون دانشگاهها ملازم داشته، در راه برقراری مجدد آن مبارزه می کنیم.

۶- خواسته های واقعی جنبش دانشجویان انقلابی همان خواسته های خلق است و چنین است که خواسته های ما همان خواسته های است که خلق کرد، سرکس و... و کارگران و رخصکان در سازماندهی فریاد می کنند. ما هم در جهت زحمت - کشان برای ناسودی سرمایه داری وابسته ارتجاع و استه زحیح جان بازی دریغ نخوا هم کرد.

۷- ما معنای خویش را از مبارزه برای امتحان چند روزه اخیر پیدا اعلام می کنیم. در اینجا لازم است به برخورد های سکتاریستی و وحدت شکنانه که بخصوص در شکل با ما پذیرفتن این مبارزه حماسه آفرین بوجود آمد. اثار کرده و آثار مضربحال اتحاد نیروهای انقلابی دانسته و با دیگر تاکید میکنیم که مایع اخیر بیش از پیش ضرورت اتحاد دانشجویان انقلابی را در یک صف متحد نشان میدهد.

رنده و جابیدنا دخطر شهیدان دلاور دانشجویان اول اردیبهشت ۵۹
مرگ برای امیرالیم و ارتجاع داخلی

دانشجویان و دانش آموزان هواداران سازمان بیکار و در راه آزادی طبقه کارگر
دانشجویان و دانش آموزان مبارز
دانشجویان هواداران راه کارگر
۱۳۵۹/۲/۲

مبارزه و مقاومت را در اشکال دیگر ادامه دهیم!

آذر ۱۶ "شاه به دستور بنی صدر تکرار شد"

اینست هدیه ارتجاع
به مردم خوزستان:

دستگیری ۸۰۰ دانشجو
و به شهادت رساندن ۱۵ نفر در اهواز
ارتجاع برای اعدام برخی از دستگیر شدگان توطئه میکند

تنگ و نفرت بر
"شورای انقلاب" و "دولت بنی صدر"
این عاملین کشتار خونین دانشگاه



جمع بندی حرکات دانشجویان ح: هواداران کارگر

ی: رویز یونیتهای خسان توده ای و سه جهانی

بلندگویی تدارکات انجام میدهند و برخورد های فردی بسیاری که در طی این مدت شاهد آن بودیم و حرکت فردی شب آفرشان ، یعنی بدون اطلاع کمیته مشترک با هیئت حاکمه وارد مذاکره شدن نشان میدهد که تا چه حد رفقای فدائی بی مسئولیت بوده اند پیشند ، رفقای فدائی گذشتند از شرایطیکه واقعیت به آنان تحمیل میکرد از حرکت متحدها تا با دیگر نیروها پرهیز میکردند و زمانیکه در یک حرکت متحد شرکت کردند نیز ما شاهد شرکت در کمیته مشترک (تا حرکت فردی خود تمامی اصول شرکت در یک کمیته مشترک را زیر پا گذاشته منافع فردی خود را بر منافع جمعی و منافع جنبش ارجح قرار میدادند ، برای اینکه شناختند بهتری از حرکات بیگانه دانشجویان پیشگام - دانش با شیم یک نمونه بسیار زشت را که در روز - تظاهرات اعلام شده ، یعنی چهارشنبه سوم ارد - بیبهشت از سوی دانشجویان پیشگام انجام گرفت نشان میدهم ، با وجود آنکه از صبح این - تظاهرات از سوی ما اعلام شده بود در هنگام تظاهرات بسیاری از دانشجویان پیشگام بسیج شده بودند تا مقوا ها بی در دست بگیرند که در روزی آن نوشته شده بود این تظاهرات از طرف دانشجویان پیشگام نیست ، عین این حرکت را در قبل از پیام از طرف لایحه ها شاهد بودیم که هنگامیکه نیروهای چپ تظاهرات برپا میکردند آن مقوا ها بی در دست می گرفتند و اعلام می کردند که این تظاهرات از طرف آنان نیست ، کافی بود به توضیحات بلندگو گویند یا دوبار پلاکاردها و مقوا ها جمعیت چندین هزار نفری را که به امضای دانشجویان پیشگام و رومیاری بود می دیدند تا می فهمیدند که این تظاهرات پیشگام نیست ، تمامی جمعیت شرکت کننده در تظاهرات نیز میدادند که در تظاهرات هرگز پیشگام شرکت کرده اند ، و این حرکت رفقای پیشگام فقط تخطئه عمل انقلابی ما (در مقابل حرکات پاستینو ، انقلابی و تسلیم طلبانه خودشان) کار زنجیری در امر تظاهرات بود .

(این متن بزرگ چپ با بیطرفی که کار هم در آمد و نمونه دیگری اری بر تئوس فیاضان خلصیق را آغاز کرد ، در این تشریح حتی یک کلام نیز از مقاومت حمایت آفرین دانشجویان انقلابی هواداران پیشگام را کارگرومیاری نشده است .

توده های انقلابی هواداران ما را بیکار رود بیکار برپا نماند انقلابی در کنار دانشجویان پیشگام در مقابل گلوله ها سینه سپر کردند ، شیبند و زغنی دادند ما فدایان خلق فقد خود را می بینند و بیرونی واقعیتی که هر از آن چشم آنرا دیده یعنی رژیم دیگر دانشجویان انقلابی برده می کنند در شردن آن آموزشها را اخیر نیز فقط از پیشگام نام برده شده و مرکزها ترسیمی گروه های مختلف بعنوان مفر پیشگام یاد شده است .

اختلاف بزرگ ما و رفقای پیشگام گذشتند از حرکات فردی و سکتاریستی و بی بر تئوس فیاضان انقلابی و یک متی دنباله روانه و سارنگارانه بدین ترتیب ما فین تعیین توده های رزمنده پیشگام که در کنار ما دست در دست ما و دیگر نیروهای انقلابی در مقابل ارتجاع مقاومت کردند نمی توانیم نسبت به سیاستهای انحرافی رفقای پیشگام بی تفاوت باشیم و به هم خود یک مبارزه ایدئولوژیک اصولی را در این راه بکار می گیریم .

همچنانکه گفتیم سیاست دانشجویان هواداران را کارگرومیاریست نشستن میان دو صندلی (میان ما و دانشجویان پیشگام) بود .

رفقا که دارای سیاست روشنی نبودند گاهی به سمت ما و گاهی به سمت دانشجویان پیشگام می رفتند ابتدا رفقا با ما در یک کمیته مشترک دفاع از آزادی متحد شدند ، سپس با درست شدن کمیته مشترک دفاع از رفقا ترسروهای سیاسی و نیز در موازای ما نشدند و رفتن به سیاستهای تسلیم طلبانه رفقای پیشگام می پیوستند .

گروه دریا پسبان در مقابل عمل زشت رفقای فدائی (مذاکرات پنهانی با بنی مدر با زهم بسوی ما آمده و قطعنامه نوشته شده را امضاء کردند) رفقای راه کارگر بعد از سه روز ، به جنبه نیز به سیاست نشستن میان دو صندلی ادامه دادند ، مثلاً در روز چهارشنبه نظرات راست رفقای پیشگام را مبنی بر عدم شرکت در تظاهرات پذیرفتند و علیرغم دعوت ما مبنی بر تظاهرات در تظاهرات مشترک ، از شرکت مشترک در تظاهرات عظیم و شکوهمند ما در سوم اردیبهشت خودداری کردند .

طبیعی است این مدافعان بورژوازی در ادامه سیاستهای ضد خلقی شان بر علیه انقلاب توطئه می کرده اند ، پس از پورش ارتجاع بدانشگاه توده ایهای خائن فوراً " اطلاقهای خود را تخلیه کرده و نیروهای انقلابی چون بیکار و رزمندگان و راه کارگرو را مقرر قلمداد کردند ، آنان همیلا به حمایت از رژیم در سرکوب نیروهای انقلابی بهاغاسته و در تمغیه نیروهای انقلابی با آستان همدا شدند .

مقاومت دلاورانه دانشجویان و کشتار وحشیانه و کور ارتجاع به تعیین در شکستن توهم توده ها و انزودن بر امواج اعتدالی جنبش و تأثیر با احمیتی در مسیر انقلاب خویش خلق ما خواهد داشت

هم آوازی خائین توده ای با رژیم چپسوی اسلامی در کشتار رده نشگاه با ردیگرها هیت خیانست پیشه آنان را هر چه بیشتر بر ملاخت .

سه جهانبهای مزدور که با یکا همی پردانشگاه ندانسته از دوره مداحی بورژوازی - ادامه دادند .

نگاهی به برخورد لیبرالی انجمن ط: دانشجویان مسلمانان

با زمان مجاهدین خلق که در ماههای اخیر پیش از پیش گرایشات لیبرالیشان تندید با فتنه است گذشته از دامن زدن توهم توده های خمینی و بنی مغز و آب به آسیاب هیئت حاکمه ریختن ما نند شرکت در راهپیماییها و میتینگهای فدایان هیئت حاکمه ، عدم موفقگیری قاطع در مقابل سرکوب ظلمها و ...

در خصوص این مسئله مشخص یعنی سرکوب در دانشگاهها ، سیاستی لیبرالی اتخاذ کرده و عملاً با تقویت ارتجاع یاری رساندن چرا که نیروهای انقلابی را در هنگام پورش ارتجاع تنها رهبران کوزه و آنان را در برابر هجوم گسترده ارتجاع تضعیف کرد .

تحویل دفاتر انجمنهای دانشجویان مسلمان به رژیم ، یعنی عقب نشینی بدون مبارزه در حقیقت موجب جریت شدن ارتجاع گشته و ارتجاع را در فرود آوردن ضربات بعدی بر انقلاب گستاخ میسازد .

هدین خلق با نظرات لیبرالی و راست خود عملاً به ارتجاع با میدهند تا به انقلابیان پورش بود ، طبیعی است واگذاشتن اولیوس سنگرانقلاب به ارتجاع بدون مقاومت در حقیقت آماده کردن زمینه برای ارتجاع برای فتح سنگرهای بعدیست

ما توده های انقلابی هواداران ما هدین خلق را به یک مبارزه وسیع نسبت به این عمل لیبرالیستی که عملاً آب به آسیاب ارتجاع ریخته است فراموشی خوانیم تا با مبارزه اصولی با غلط تشدید یافته لیبرالی مجاهدین ، آنان را سرگردان پورشهای ارتجاع به انقلاب در کنار خود ببینیم .

علامه کنیم :

دانشگاه از نظر توده ها مقدس و حرمت خاصی داشته است ، حمله به دانشگاهها و کشتار ریبیرحمانه دانشجویان ، تاء شیر مهمی در شکستن توهم توده ها دارد ، اوچگیری جنبش توده ای و رزم خلق کرد در کنار مقاومت دانشجویان انقلابی توطئه ننگین اخیر هیئت حاکمه یعنی سرکوب انقلاب با رانیز در هم خواهد شکست ، در این میان تشدید گرایشات رویز یونیتهای لیبرالی و فرسورد میستی نیروهای انقلاب می تواند ضربه مهلکی بر انقلاب باشد ، بدین ترتیب در شرایط کنونی مهمترین خطری که انقلاب را در مقابلته است پورش ارتجاع تهدیدیست کند ، انحرافات موجود در انقلاب است با مقابله با این انحرافات ، مفاد انقلاب را با لایش دهیم

یاورقی

رفقای پیشگام نیز در علامه خود متذکر شده اند ، درک رفقا ، یک درک رفریستی و پارلمنتاریستی بوده است یعنی آنها در مذاکره بدینال گرفتن امینا زاتی در چهار چوب قانونی بوده اند ، ما مخالف گرفتن این امینا زات نیستیم اما مناسبت در مبارزه برای انقلاب از رفری که حامل عقب نشینی ارتجاع است نیز استفاده می کنیم در حالیکه رفقای پیشگام نه در جهت عقب راندن ارتجاع و تحکیم انقلاب بلکه اساساً برای تحمیل رفرم حرکت می کردند ، ما مبارزه را برای گسترش انقلاب می کنیم و در این راه از رفرم بدست آمده نیز استفاده می کنیم در حالیکه رفقای پیشگام اساس حرکت خود را تحمیل رفرم قرار داده و در این راه پنهانی به مذاکره نشسته بودند .



نادیده گرفتند و عملاً برضای آنچه که خودیسا کنت در کمیته مشترک بگردن گرفته بودن بسا...

با تصمیم کجانبیه دانشجویان پیشگام تصمیم به سرک دفا تر گرفتیم ، ایستادگی ما کاملاً درست بود ، چراکه با حرکت فردی یا انجمنی دانشجویان پیشگام ، حرکات جدا از آنان ، موجب ایزوله شدن ما میگشتند و از طرف دیگر عملاً ما را به تنهایی در مقابل ارتجاع قرار میدادند ...

و: حماسه دلآوری و شهادت در روز مقاومت

روز مقاومت (اول اردیبهشت) سندی از دلآوری دانشجویان انقلابی و جنایت رژیم جمهوری اسلامی بود . چنین شهاج خونینی به دانشگاه نه تنها در ایران بلکه شایع در جهان نیز کم سابقه بود این جنایت بیش از پیش چهره کزیه و فدا خفگی هیئت حاکمه را نمایان ساخت و از سوی دیگر طبیباً " برافزایش در سطح انقلابی حرکتی شده ای نیز خواهد افزود ، اما آنچه در اینجا بسیار حائز اهمیت است روحیه " مقاومت جوانانه و رزمندگی دانشجویان انقلابی است .

بیگفتنی می توان گفت در این روز کمتر کسی از مرگ می ترسید و بقول لنین چه باشکوه است زمانی که یک جنبش بوده ای از مرگ ترسند . دانشجویان انقلابی که اهمیت مقاومت خود را درک می کردند و میدانستند در صورت عدم مقاومت رژیم به سنگرهای سیمانی هجوم آورده و بر به اجرا آوردن نقشه پلیدش یعنی ماخنین گورستان - امنیت آریا میری " دستش باز تر خواهد شد . تا پای جان مقاومت کردند ، آنان فقط با مشت های گره کرده و با شاره های محکم خود با زنجیرهای اتحادی که بدور و بستند بودند و با قلبی پر از عشق به خلق شکوه صفا انقلاب را به ارتجاع می نمایانند و فریاد می زدند که در راه انقلاب نه از مرگ می ترسند و نه از شکنجه و بار دیگر حماسه خون و مقاومت با پیراهن خونی با رانندگان در دانشگاه ظنین افکند ، به راه خونین شهیدان اول اردیبهشت ، هر چه رژیم انقلابیوتی است که میکوشد در راه شهیدان راه سرخ رهاشی زحمتکش ناطی کنند .

روز اول اردیبهشت ، روز مقاومت ، روز شبان

ترشدن صفا انقلاب بسیار با ری خواهد رساند .

ز: جویندی حرکات دانشجویان پیشگام

بدین ترتیب فداشان خلق که با مواضع سیاسی انحرافی خود در طی این دوران عملاً بر توهم توده های افزودند و با عنوان کردن جناحهای خلقی هیئت حاکمه و سیاه پاسداران بر چشم توده ها خاک می پاشیدند ، در مقابل یک عمل مشخص ارتجاع یعنی سیاست سرکوب رژیم نیز صفا برخورد های تسلیم طلبانه و انفعالی خود گرچه مدتی مقاومت کردند اما نهایتاً " بایی بر سوسیالی تمام با یعنی مدرکنا را مدنودی توان گفت این احتمال وجود دارد که یورش حاصل شده ارتجاع در بعد از ظهور و شنیده بی ارتباط با مذاکرات با فداشان خلق نبوده است ، ارتجاع کسبه میدانست فداشان خلق بزودی صحنه را ترک می کنند و از روحیه " متزلزل و سازگارانه آنها در مذاکرات اطلاع داشت در هجوم مملعانه به صفا دانشجویان و کشتار آنان جری تر شد . تا از موضع قدرت بسا انفعالی و سوسیه های انقلابی برخورد کند ، بدین ترتیب :

اولاً : عملکرد رفقای پیشگام و رفقای فداشی در سه روز مقاومت در خیابان ۱۶ آذر ، حکایت از همان گرایشات روبرویونیستی میکند که پس از واقعه سفارت بسیار تشدید یافته است .

بزرگوار های تسلیم طلبانه و انفعالی رفقای پیشگام و سپس آخرین اقدام شان در شب آخر . مقاومت نشان میدهند که تا چه حد دچار انحراف هستند گذشته از آنکه اقدامات متحدانه اخیر هیئت جناحی هیئت حاکمه بر علیه انقلاب و رگبندی شبه شورشی تقسیم هیئت حاکمه بدو جناح خوب و بد و بیخفتی بودن ماهیت خزده بورژوازی که روی خوب است و روزی بدو ... را نشان میدهد ، معنی می کند که تحلیلهای نادرست و عمق انحراف فاد رفقا چگونه در مواقع خطیر یعنی هنگام یورش به انقلاب می توانند ضربات کاری بر پیکر انقلاب وارد آورد ، توده های رزمنده ای که در دوران دانشجویان پیشگام وجود دارند و عمل کرده های انقلابی که در کنار گرایشات روبرویونیستی رفقا می توان یافت ما را و میدارد که قاطعانه با این انحرافات مبارزه ایدئولوژیک کنیم .

رفقای فداشی که جنبش توده را نمی دیدند در شی بافتند که جنبش در حال اعتلا انقلابی است و بدین ترتیب سیاست مقاومت یگانگی سیاسی است که می تواند بر امواج جنبش بیافزاید و بر ارتجاع فریه وارد آورد (البته مقاومتی حجاب شده که در شرایط خاصی میتواند

انحرافات حاکم بر فداشان خلق مانع از اتخاذ سیاست اصولی در مقابل ارتجاع گردیده است . رفقای فداشی با تسلیم طلبی و انفعال و سپس کنار آمدن با بی صبری خواستند آنچه را که سرتر کمین صحرای آوردند بر سر دانشگاه نیز بیاورند .

دادن حقانیت مبارزه انقلابی و ضعف و بیوختی ارتجاع بود ، بیگفتنی حماسه مقاومت دلیرانه دانشجویان در این روز همراه با مقاومت دانشجویان انقلابی در دیگر شهرهای ایران در شکست توهم توده ها نسبت به هیئت حاکمه فدا خفگی و رادیکال

نداشته و عملاً میخواستند کاری کنند که ارتجاع - میخواست ، یعنی آرام شدن اوضاع بقیمت عدم مقاومت ، وادادن عقب نشینی ، رفقای فداشی آنچه را که بر سرتر کمین صحرای آورده بودند ، اینستار میخواستند بر سر دانشگاهها بیاورند ، یعنی عدم مقاومت ، اما سیاست درست ما موجب شد که صفا رفقای فداشی را تا روز دوشنبه بدنبال خوبش بگنجانیم (اگر چه رفقا حاضر به سیج توده ای نشده و از فراخوان رسمی برای کشتادن توده های هوادارشان به خیابان ۱۶ آذر اجتناب می کردند) درک محدود رفقای حل فقط مسئله دفاتر سیاسی و عدم درک ایستادگی سرکوب دانشگاه که همزمان با سرکوب کردستان و سیاست همه جانبه " چماق " رژیم انجام میگرفتند ، درک راست رفقا و ندیدن اعتلا انقلابی را از سوی آنان نشان میداد رفقا حرکت انقلابی دانشجویان را جزئی از حرکت انقلابی تمامی توده های تحت ستم ایران و در کنار رزم خلق کرد ، مبارزات کارگران و زحمتکشان بر علیه امپریالیسم وحافظان سرمایه داری وابسته نمی دیدند و میخواستند ترا در چهار رهنوب مسئله دفاتر سیاسی به بند کشند .

نداشتن سیاست مشخص از کسو ، فشار توده های از سوی دیگر و ارائه برنامه مشخص از طرف صفا موجب شد که دانشجویان پیشگام تا ظهور و شنیده بهر حال با ما همراهی کنند ، اما همزمان بسا مذاکراتشان با یعنی مدروهمزمان با یورش ارتجاع رفقای پیشگام بتدریج از عقب نشینی سخن می گفتند ، بسا را سفناک است ، درست در زمانی که رفقای پیشگام در کمیته ها هنگامی در مقابل نظرات ماسکوت میکردند و نمی توانستند از سیاست با سیو خود دفاع کنند ، مذاکراتشان با یعنی صدر پایان یافته و قول رفتن از دفاتر را نیز بهی - مدرداده بودند و زمانی که هنوز مسئله سرکوف دفاتر استنفینما " در کمیته ها هنگامی مطرح نکرده بودند قطعا ما خود را نه تنها نوشته بلکه ساعت ۱۲ شب در هزاران نسخه چاپ شده آماده داشتند ، یعنی از یک سو تحت فشار توده ای و فشار کمیته ها هنگامی ظاهراً " به مقاومت تن در میدادند و از سوی دیگر بیطوریتی مقدمات کامل عقب نشینی را فراهم میکردند .

در اینجا لازم است به اثرات عقب نشینی دانشجویان پیشگام و موضع تسلیم طلبانه شان در مذاکره با یعنی ضرر و ارتجاع نگاه میسین کنیم ، ارتجاع که از متزلزل بخش مهمی از نیروهای انقلابی مطلع شده بوده جزئیات خود را برای دریدن انقلاب آماده میساخت ، یعنی مدروهمزمان شنبه در منطق خود در دانشگاه تهران بطور کامل سرکوب دانشگاه را تا شاید کرده و اسلام کرد که اکنون ثبوت کردستان است ، او نتوانست تا دماشی خود را از فتح دانشگاهها پنهان نماید و بسا اعلام استقرار دولت ، هدف خود را از کشتار دانشگاه و سرکوب کردستان که همان تشبیت نظام سرمایه داری وابسته است آشکار ساخت .

ثانیاً : انحراف دیگری در کنار گرایشات روبرویونیستی رفقای فداشی خود را می نمایانند و آن سکتاریسم " هر چه مرکز بینی و بی بر سوسیالی خرده بورژوازی است ، اقداماتی که رفقا در کمیته

گرامی باد اول اردیبهشت روز مقاومت دانشجویان انقلابی!



میرسید توسط دانشجویان پیشگام به دفترشان برده شده و پس از بسته بندی به خارج انتقال میافتد. در شرایطیکه ما مجبور بودیم در بسیاری مواقع مشغول داروخربداری کرده و بیرون زخمیها بروا نینیم و یا تمام کمکهای مالی که میرسد به جای آنکه در اختیار کمیته تدارکات چهار گروه سیاسی قرار گرفته و به مصرف جسمی برسید بجای رفتن به کمیته مشترک تدارکات به دفتر پیشگام ارسال میشد، و یا خبرنگارانی که آمدند بجای بردن به اتاقی که کمیته مشترک در آن مستقر بود، بیکباره سرازاتاق بغلی بمناسبت دانشجویان پیشگام درمی آورد، ما همسین آنکه تمامی این حرکات را بچکانه و ناشناسی از بی پرسنسی رفقای پیشگام می دانیم، اما از آنجا که مقاومت متحد نیروهای انقلابی برای ما در آن هنگام از هر مسئله ای با اهمیت تر بود به تذکراتی اکتفا می کردیم و بیشتر بیرون هم خود را بجای توجه به اینگونه اعمال کاسکای رانه صرف مقاومت و بسیج بیشتر نیروها در مقابل ارتجاع میگردیم.

رفقای پیشگام از زشت ترین اعمال خود را می کردند، مثلا بدون اجازه کمیته مشترک خود در شب آغوش شروع به خواندن قطعه نامه خود کردند و زمانیکه ما بنی می خواستیم مبارزه به فراشت قطعه نامه خود کنیم، رفقای پیشگام میخواستند قطعه نامه ما را ابتدا بنشینند و آنگاه بگذارند آنرا بخوانیم که خاموش کردن بلندگو و و دیگر حرکات زشتان، موضع نادرست رفقای رانغان میداد و با از طرف شورای مسئولان دانشگاه تهران در تلفن به دانشجویان پیشگام دعوت به مذاکره با چهار گروه سیاسی موجود در ستاد مقاومت شده بود، اما دانشجویان پیشگام اظهار داشتند که مسئولان دانشگاه خواهان مذاکره با دو نفر نماینده هستند و با امر می خواستند فقط خودشان و راه کارگر بر روند و وقتی نماینده ما آنجا رفت معلوم شد که چهار گروه دعوت شده بودند و ...

حساسه مقاومت در روز مقاومت و تشدید تزلزل در رفقای پیشگام

روز دوشنبه اول اردیبهشت آغاز شد، محاصره کامل متحصنین در خیابان ۱۶ آذر از سوی پهلوان پاسداران انجام گرفته بود. ساعت ۲ صبح ناگهان ۲ مینی بوس که پاسداران را به خیابان ۱۶ آذر آورده بودند، با سرعت بطرف جنبش آمدند و چندین نفر را زیر گرفتند، شما قسسیب آن شلیک تیرهای هوایی آغاز شد. چندین دانشجوی زخمی شدند اما انضباط محکم و روحیه پولادین دانشجویان اولین یورش پاسداران را عقب راند. ساعت ۲ دومین یورش وحشیانه ارتجاع بصورتی وحشیانه آغاز شد، پاسداران به دانشجویان مقاومت کتند و در دانشگاه تهران از پشت تریه ها با گلوله حمله کردند، هزاران تیر هوایی و مدتها تیر زمینی شلیک کردند، در این یورش وحشیانه حداقل ۲ نفر شهید و دهها نفر زخمی شدند.

مقاومت پر شور دانشجویان انقلابی این یورش را شجاعانه و نیز عقب راند، اما بر تزلزل دانشجویان پیشگام افزود و بدین ترتیب ششمه هاش که تا کنو

جرات ابرازش را نداشته از سوی رفقا سرداده شد، سخن از پایان مقاومت و عقب نشینی بود. ما تاکید میکردیم که در مقابل پاسداران و پاندهای سیاه هرگز عقب نمی نشینیم و مقاومت می کنیم. البته ما درک مطلق از مقاومت نداشتیم، در شرایطی که احتمال خرابی ت هولناکی از سوی رژیم سیرت خاخر به عقب نشینی نیزی شدیم، اما وضعیت رژیم و روحیه روزمندی متحصنین طور بود که مقاومت را ایجاب میکرد.

ضمین آنکه هرگز در مقابل مردم مقاومت نمی کنیم، (بنی مدرگفته بود که سه شب ساعت ۹ با مردم به دانشگاه می آمدیم با رودر رو قرار دادن مردم و دانشجویان انقلابی، قضیه راجل کند، ما می گفتیم در مقابل مردم ما فقط کارا کا هکرا نه می کنیم ولی هرگز مقاومت نمی کنیم اما در مقابل پاسداران و پاندهای سیاه یک قسمد عقب نمی نشینیم، اما دانشجویان پیشگام کم کم از عقب نشینی سخن می گفتند، اما روحیه روزمندی دانشجویان متحصن پس از دفع یورش مسلحانه ارتجاع، دانشجویان پیشگام را که با خطر حمله مسلحانه پاسداران قصد عقب نشینی داشتند به قبول مقاومت واداشت. ساعت ۷ گذشته بود که شدیدترین حمله ارتجاع آغاز شد، بیستش از یک ساعت رگبار گلوله ها حتی بگدقند هیچ قطع نکردید از زمین و هوا گلوله می بارید، شمارها محکم و مستحای بهم گره کرده دانشجویان انقلابی تنها پاسخ ما به ارتجاع بود، پاسداران با رگبار گلوله و پاندهای سیاه با سنگ و ترمسه و جوب و چاقو به ما حمله ور شدند، مرکز دفاتر گروههای سیاسی پراچید و تنهای عزیز شیر خسورده

همه از مقاومت سخن می گفتند اما بتدریج باز هم در کمیته ها هنگی دانشجویان پیشگام سخن از عقب نشینی می گفتند، ما می دانستیم که مقاومت ما و کشتار دانشجویان انقلابی تا چه حد برای رژیم گران تمام می شود و بر اساس ارتعای جنبش بوده هاشی افزایش، اما دانشجویان پیشگام و رفقای فدائی سودا های دیگری در سر داشتند.

فدائیان خلق بطور پنهانی یا

بنی صدر نگار می آیند

سخنان بنی صدر در خصوص مذاکره با پیشگام از یک واقعیت زشت پرده برمیدارد. درست در زمانها شیکه دانشجویان انقلابی دلاوران مقاومت میگرددند، رفقای فدائی مشغول کنارتادن با بنی صدر بدلالی مدیرانانه می بودند بطبعی است ما مذاکره اصلی اصول غلط نمی دانیم اما مذاکره با بنی از مو فستع قدرت و بر اساس شرکت فعال در بسیج بوده ای برای مقاومت انجام میگرفت، در حالیکه آنچه سخنان بنی صدر نوشته کاره نشان می دهد (۱) فدائیان خلق بجای اتکا به توده ها بجای حرکت از روحیه انقلابی دانشجویان مقاوم و بجای شدت بخشیدن به مقاومت توده ای از طریق فراخوان نیروهای هوادار رسمی در آرام کردن قضیه میگرددند، مجموعه حرکتشان نه برای عقب راندن ارتجاع بلکه برای عقب نشینی خودشان تنها با بدست آوردن امتیازاتی که علیرغم رسمیت شناختن رژیم نمی توان از سوی او معتبر با شده است

اگر فدائیان خلق از هواداران خود می خواستند تا برای مقاومت به خیابان ۱۶ آذر بیایند و اگر ما هدین خلق میدان را خالی نمی کردند، طبیعا مقاومت توده ای بر علیه ارتجاع ایما دستر شده تری بسود انقلاب

میزان می داشت

شده بود، شما تا این حد جنایت بنی صدر" بگوش میرسید، بگدقند هم حتی رگبار گلوله و آوردن تیر خورده ها قطع نشید، آمبولانسها در حرکت بودند و سیل پنبه و دارو به مرکز دفاتر سیاسی برای کمک به مجروحین برآوردند، تعداد شهدا و دارو خون مورد لزوم و سرکه و کلینیک می و مدام بوسیله رفقای که کاغذها قسسی راد دست داشتند و این وسایل را در آن نوشتند بودند از مردم خواسته میشد، مردم بسبب عیبائی و خشکی بودند، چندین پاسدار به دانشجویان پیوستند، ختم انقلابی متحصنین اندازه نداشت هیچکس صحبت از عقب نشینی نمی کرد، رفقا فهمیده بودند که مقاومت دلاورانه شان تا چه اندازه ختم ارتجاع را بر انگیزند و برای ارتجاع خطرناک است پس تنها پای جان مقاومت میکردند، بحث در سراسر منطقه نزدیک دانشگاه در گرفته بود، مردم از جبار خود را از این کشتار وحشیانه ایوا میداشتند.

یکبار یک ما نین پاسداران که میخواست در نقاط فرصت امیر آباد با بدست با ختم مردم مواجه شد و گریخت، بالاخره پس از یک ساعت و نیمی کشتار گلوله ها آرامش گرفت و تن داغدار دانشگاه با زهم چندین شهید تهران به خلقمان هدیه کرد. هیچکس سخن از سازش و عقب نشینی نمی گفت

و در این راه از آنجا که روحیه آشتی ناپذیر ما را می شناختند بطور پنهان و بدون اطلاع کمیته مشترک اقدام میکردند. و راست روی خود را بسبب بی پرسنسی کامل هیرا کردند. شرافت انقلابی آنان جکم میکرد، از آنجا که دفاع و مقاومت از دفاتر ترگروههای مختلف از طریق کمیته مشترک انجام میگرفت، حرکتی خارج از کمیته مشترک انجام ندهند و در صورت انجام حرکتی که به دیگر گروهها نیز مربوط میشود ابتدا با بنی آنرا در کمیته مشترک مطرح می کردند، اما رفقا بطور وحشت شکنانه و با زیر پا گذاردن بسیاری از مسائل که بکات انقلابی موظف است آنها را تبعیت کند از صبح دوشنبه، مشغول سازش با بنی صدر بودند و ساعت ۱۰ شب درست زمانیکه کمیته ها هنگی بر مقاومت پای می نشاندند دانشجویان پیشگام سخن از مسائل پشت پرده مطرح نکردند و سکوت می کردند تا گمان بنی صدرا سلام کرد که در بی مذاکرات صبح خود با پیشگام، پیشگام دفاتر خود را ترک میکند، بدین ترتیب فدائیان خلق از پشت به دیگر گروههای سیاسی ختم زدن و به توافق بکطرفه با هیئت حاکمه مسئله را فیمه دادند. بدین ترتیب آنان نه تنها سازش کردند بلکه با بی پرسنسی تمام اصول اولیه شرکت در یک کمیته مشترک را نیز

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق



ارتجاع با زیرس گرفته شده است، واقعیت عینی با لخره خود را بر دانهجویان پیشگام تحمیل می‌کند و دانهجویان پیشگام می پذیرند که با تفاق دیگری دانهجویایی که دارای دستر هستند، کمیته ای - برای مقاومت ندارد کمیته (اما حاضر نمی شدند که کمیته ای برای دفاع مشترک از آزادی در - دانشگاه را بنیادین بلکه از آنجا که آنان در کنار ما دفتر دارند برای دفاع مشترک از دفاع تریه یک کمیته هماهنگی تن میدهند. بدین ترتیب کمیته در زیر کمیته هماهنگی بوجدی می آید کمیته سیدکو، انتظامات (درونی و بیرونی) و مدارک است.

(این مسئله درک محدود رفقای فدائی راسان - می دهد، رفقای بجای حرکت در سیریک جنبش انقلابی ارتجاع را در سوره به دانشگاه عقب برانند در آن راه دست به سیخ توده ای و اتحاد عمل با دیگر نیروهای انقلابی بر نند، مسئله را فقط بدفاع از چند متر ساسی کنترل نیدند و تا کنیکه - و بر ساسه های خود را سیر فقط در سطح دفاع از دفاع و نه پس براندن نهاجم ارتجاع دانشگاه عملی می سازند.)

هیچ ارتزوهایی دانشجویی سیاست مشخص برای مقاومت ندارند. اما ما دارای سیاست کاملاً مشخص هستیم. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و نمودن پیکار در رختان خود را در اعلامیه ای با عنوان "بانتحص و مقاومت در دانشگاه تهران" توسط ارتجاع را در هم شکنیم "حفظ کلیسی حرکت ما را مشخص کرده اند. بدین ترتیب سیاست ما کاملاً مشخص است و ما سعی می کنیم حفا کنیم رهموسا زمان پیکار را به دیگر گروههای دانشجویی اشیات نمائیم، رهموسا زمان پیکار را کبند سرا با کمیته مشترک مقاومت دارد، با وجود آنکه دانشجویان پیشگام بطور کلی با اتحاد جبهه ای مخالفت می کنند، اما در نهایت طرح ما را در مورد ایجاد کمیته مشترک هماهنگی برای دفاع از دفاع سیاسی می پذیرند و در همین مقاومت نیز که به توضیح روشنی ندارند، اما به علت بی برتا مسگی و نداشتن سیاست و نیز زوجه کمیته رزمندگی بالی توده های دانشجویی با ل مسا کشیده میشوند. (دانشجویان راه کارگرنیوز از آنجا که فاقد یک سیاست مشخص در این مورد هستند لجرم طرح ما را می پذیرند.)

اعلامیه ای که شب خوانده می شود " شوری - انقلاب " اعلام میکند که از طرف دانشگاهها - تعطیل شده و با بیستی بیدرتگ نیروهای سیاسی - دانشگاه را تحمله کنند و در حقیقت پیام روز جمعه شوری انقلاب را منتفی می کند، و با ساخت است که هر اس ارتجاع را از مقاومت دانشجویان انقلابی نشان میدهد.

ارتجاع که می خواست تا سه شنبه میر کند تا باید نیروهای متزلزل را بسوی خود بکشد، درمی یابد که مهلت سه روزه اش کمی برای سازماندهی نیروهای انقلابی برای سیخ توده ای برای - محافظت از دانشگاه است و چنین است که دیوانه سر دست به شهید و ارباب میزند و وحشت خود را از مقاومت دانشجویان انقلابی بنمایش میگذارد، این مسئله از یک طرف موجب میشود که نیروی بیشتری از دانشجویان انقلابی به تحمن بنیوندند و توده های مردم به خیابان مقاومت، خیابان ۱۶ آذر بیاید

و از سوی دیگر، انجمن دانشجویان مسلمان (هوا - داران سازمان مجاهدین) با این پیام قسورا سید را واغالی کرده و از مقاومت دست میکشند. این برخورد لیبیرالی موجب میشود که ارتجاع تقویت شده و از نیروهای انقلابی مقابل ارتجاع کاسته گردد. این عمل که عمل سازشکارانه لیبیرالی مخالف مصالح انقلاب بود، تا - نیروی بروحیه مقاومت جویانه دانشجویان متحصن نمی گذارد بلکه فقط منجر به بیرون رفتن مسجدهین از صفوف محافظت کنندگان دانشگاهها میشود، اگر چه در برخی موارد برخی از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان این رهنمود لیبیرالی

رژیم حافظ نظام سرمایه داری وابسته برای تثبیت خویش و نتایج ازبیرانهای اقتصاد و وسیع سیاسی می بایست انقلاب را خفه می کرد و سرکوب انقلاب بدون سرکوب دانشگاه و کردستان که بیش از همه جبا دستاورد های قیام بهمن در آنجا حفظ شد بود، امکان نداشت

را نیدیرفته مانند دانشگاه مهدی رفا تفسی در کنار دیگر همزمان خود باقی می ماندند. در این روز سیاست ما است که همه متحصن در دانشگاه های مختلف شهر تهران را بسوی دانشگاه تهران بگنجانیم، ما معتقدیم که حفظ یک تنگبندوان سبیل دفاع از آزادی و انقلاب با کامیست در حالیکه تحمن در دانشگاه های مختلف موجب هردادن نیرو در نقاط مختلف میشود. چیرا که ارتجاع براحتی میتواند در دانشگاه های مختلف به ما ضربه بزند. در حالیکه جمع همه نیروها در یک نقطه، ضربه پذیری در نقاط مختلف را کاهش داده، صف نیرو سندی در یک موضع (یعنی خیابان ۱۶ آذر) بوجود می آورد، تنها مسئله اینست که این سیاست چگونه به متحصن دانشگاه های مختلف توضیح داده شود که این امر ناشی از یک سیاست درست و تعرضی بدانند، نه ناشی از ضعف که در مورد این مسئله عنوان میشود شرکت متحد همه متحصن در خیابان ۱۶ آذر، تقویت کامل صف مقاومت است، این سیاست به دانشجویان دیگر گروهها نیز توضیح داده میشود و ما در همه جاسی می کنیم که این سیاست را به پیش ببریم از سوی دیگر ما دست به یک فراخوان وسیع برای جلب توده هایه خیابان ۱۶ آذر میزنیم و از دیگر نیروها می خواهیم که بطور رسمی از مردم دعوت کنند به تحمن و مقاومت در خیابان ۱۶ آذر - بنیوندند، دانشجویان پیشگام در راه - سیاست تسلیم طلبانه و راست خود را زکشان توده ها به خیابان ۱۶ آذر، اما می کنند و اگر چه عنوان می کنند که ما شفا " اردان دانشجویان پیشگام خواسته ایم که بیایند. اما از دادن اعلامیه رسمی خودداری می کنند. سازمان فدائیان خلق نیز از زکشان توده های برای مقاومت به خیابان ۱۶ آذر اجتناب می کنند، سیاست ما، هر چه باشکوه تر ما باندن مقاومت دلاورانه بوده ای کردن این تحمن بود، اما فدائیان خلق عملاً با اجتناب از دعوت توده هایه بیوستن به مقاومت در خیابان ۱۶ آذر، از تقویت صف مقاومت کنندگان در مقابل ارتجاع خسود داری کرده و رجاع امکان یورش وحشیانه شر را می یابد. طبیعی است در صورت میدان حالی - نکردن مجاهدین خلق و نیز دعوت رسمی فدائیان خلق، توده بسیاری به تحمن ما می پیوستند

و در نتیجه مقاومت ما، اسامی گسترده تر و توده ای تر یافته و در نتیجه نهاجم ارتجاع هر چه بیشتر شکننده میشود.

روحیه مقاومت جویانه متحصن در خیابان ۱۶ آذر خود را بر نظرات تسلیم طلبانه پیشگام و - راه کارگرمینی بر شعار باندن تحمیل کرد، و بناچار خط اصولی ما تا شدید میشود، سروده های انقلابی و شمارهای محکم دانشجویان در آن شب و روزهای بعد، خاطره تابناکی از مقاومت و روحیه رزمندگی و دلاوری انقلابیون برای همیشه بر جا خواهد گذاشت.

نیروهای انقلابی عموقمیته هماهنگی بر شعارهای

رژیم حافظ نظام سرمایه داری وابسته برای تثبیت خویش و نتایج ازبیرانهای اقتصاد و وسیع سیاسی می بایست انقلاب را خفه می کرد و سرکوب انقلاب بدون سرکوب دانشگاه و کردستان که بیش از همه جبا دستاورد های قیام بهمن در آنجا حفظ شد بود، امکان نداشت

داده شده توافق می کنند، دانشجویان پیشگام سعی می کنند که شعاری بر علیه بنی مدروسیا هیئت حاکمه داده شود، وقتی از آوردن نام قی ارتجاع در شمارها جلوگیری می کنند، آنها شمارها پیشنهادی ما را هر جا که نام ارتجاع داشتند رد می کنند، دانشجویان هوا دار راه کارگرنیوز در مقابل با فشاری ما در حقانیت شمارهای انقلاب - بیمن سکوت می کنند و با ردیگر به سیاست میان دومتدلی پناه می برند. بهر صورت ما در تمامی برخورد های خود با دیگر گروههای دانشجویی سیاست جدا کثرتنرمش در تاکتیک وحدت اکثر سرخستی در استراتژی را تعقیب می کردیم و ضمن آنکه بهر صورت مقاومت و با فشاری کرده و می گوشه نییم دیگران را نیز بدین امر ترغیب کنیم، در مورد دیگرها ضربه گذشت شده، با طر اتحاد عمل نیروهی انقلابی در تاکتیک نرمش میگردیم، هر چه رو به فرته رزمندگی جمعیت بسیاری موافق است آنچه را که ما گذشت کرده بودیم بر دانهجویان پیشگام و با راه کارگرنیوز می کنند. مثلاً " بعد هنگام خیر اندازی بدانهجویان انقلابی، جمعیت خود شعار " این سندنایت بنی صدر " را هنگامیکه تیر خورندگان را به دفاع ترمی آوردند تکرار می کرد، بدین ترتیب سیاست ما کثرتنرمش نیروها و توده هایه مقاومت و تحمن در خیابان ۱۶ آذر بود، این بزرگترین هدف ما را مشخص می ساخت، اما دانشجویان پیشگام که بسیدون غرولندهائی به مقاومت ادامه میدادند، کثرتنرمش و وحدت شکنی و بی برنیمی خود را بنمایش می گذاشتند. مثلاً " هر چه کمیته بلندگو تشکیل شده و از همه نیروها بکنفرد آن شرکت داشتند. دانشجویان پیشگام با تا کنید بسیار می گفتند که " با عدالین رفا برکا ر بلندگو نظارت داشته باشند اما فقط رفیق پیشگام با بد زبنت بلندگو سخن بگوید و با دروغی مسئله تدارکات، بطرز بسیار زشتی میکوشیدند تا با داروها و کمکهای که به دفاع ترگروههای سیاسی میرسد مستقیماً به دانشجویان پیشگام حمل کنند، مثلاً " کمیته پزشکی در تالار مولوی نزدیک دفتر دانشجویان هوا دار پیکار رومبا رزمستقر بود و زخمیها را به آنجا می آوردند، اما بخش اعظم داروها شیکه که به مرکز و دفاتر ترگروههای سیاسی

هر چه گسترده تر باد پیوند دانشجویان انقلابی با زحمتکشان



انقلاب" اعلام کرده بود که بایستی دانشگاهها بسازد. ولی دفا ترسیاسی گروههای مختلف جمع آوری شود. این دو نظرگاه مختلف کشته نشانه شیوه های گوناگون دوجناح مختلف هیئت خاکمه یعنی جناح بهشتی و رفسنجانی (جمهوری اسلامی) و جناح بنی مدراریان میگردد. فرادانه راه خودبه وحدت رسیدند (علیرغم اینکه هر دو جناح سعی میکردند با رجنایات خود را در دانشگاهها با برخی زستهای مختلف بردوش جناسا- پیکارشان نکنند.

علیرغم اعلام مهلت بدانشجویان تا آذرماه روز دوشنبه یا نهمای سیاه بهمراهی سپاه پاسداران با یک برنام منظم به دانشگاههای مختلف هیوه برده و در برخی مقاطع از حمایت عده کمی از مردم ناآگاه نیز برخوردار بودند، همزمان با اعلامیه شاد و غلاظ " شورای انقلاب" حمله ترابری به دانشگاهها با ابعاد گسترده تر ادامه یافت و در حالیکه توده های قهرمان کرد در همان لحظات حماسه های تاریخی در مقابل ارتش ضد خلقی و سپاه پاسداران ارتجاعی می آفریدند و قربانیات مهلکی بر آن وارد میکردند.

بعدا ز نماز جمعه به دانشگاه پلی تکنیک حمله می شود.

دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی - طبقه کارگر - پیشتنها دکمیته دفاع از آزادی در دانشگاه ، متشکل از نیروهای انقلابی (دانشجویان هوادار طبقه ۲، راه کارگر فدائیان خلق ، مجاهدین خلق) را با اسانه شش می مطرح می کنند. اسانسانه اولیه پس از تکمیل منتشر میشود که میتوان آنرا در ۱۶ آذر شماره ۱۰ - فوق العاده پورش ارتجاع به دانشگاه مطالعه کرد) سیاست ما در این زمان عبارتست از مقاومت در مقابل پورش ارتجاع ، افشاکری افسانها و رژیم سرکوب دانشگاه و کردستان و نیز تشکیل کمیته مشترک نیروهای انقلابی برای هماهنگی مقاومت در مقابل پورش ارتجاع بدانشگاه

بدین ترتیب رفقای ما در مقابل پورش ارتجاع در همه ۱۰ مو- سمات آموزش عالی و دانشگاهها دست به مقاومت می زنند و در این راه از هیچ جانبازی دریغ نمی کنند. ضمن آنکه فعالیتها در جهت اتحاد با دیگر نیروهای انقلابی میگوشتند.

ج: آغاز مقاومت در خیابان مقاومت

شب شنبه راعده ای از رفقا برای محافظت از دفا تر خود و دیگر گروههای سیاسی در خیابان ۱۶ آذر به صبح میرسانند. در پی سیاست افشاکرانه خود میگویم تظاهرات دانش آموزی برای حمایت از آزادی در دانشگاه را سازمان داده ایم. مسئله راهبان توده های بریم . در دانشگاهها مختلف نیز سعی در ایجاد اجتماع توده ای برای افشاکری می کنیم (جمعیت دانشکده حقوق بهشتی و فنی را بعنوان جمعیتاتی انقلابی برای افشاکری میتوان تذکر شو) بدین ترتیب ما از روشهای سرکوبگرانه رژیم را در جلوی دانشجویان بر ملا زیم و از سوی دیگر با برپائی تظاهرات دانش آموزی و دانشجویی (روز دوشنبه تظاهرات دانشجویی از طرف کمیته

دفاع از آزادی در دانشگاه پلی تکنیک برگزار می شود که سرسیده بدانشگاه تهران پس از حمله او با شها و فالانژها ، متفرق میشود. جالب اینجاست که در روز جمعه هنگام حمله فالانژها بدانشگاه دانشجویان پیشگام پلی تکنیک به کمیته می پیوندند، اما روز بعد هنگام حرکت افشاکرانه ، تظاهرات را تحریم می کنند.

بدین ترتیب ما فعالانه می گوئیم تا در مقابل پورش ارتجاع با اعلامیه ، تراکت و تظاهرات فعال موضعی تعرضی گرفته . هر چه بیشتر روحیه رزمندگی را در دانشجویان افزایش داده ، توده ها را بیشتر آگاه و ناعاشیم . در این روز رفقای پیشگام فقط چند اعلامیه و تراکت میدهند و با تحریم تظاهرات برخوردی راست را به نمایش می گذارند این موضع انفعالی در سدا و ظهر روز شنبه ۲۰ فروردین بخوبی خود را می نمایاند. او با نشان فالانژ که تظاهرات کمیته دفاع از دانشگاه را بهم ریخته و به کتابفروشیهای روبروی دانشگاه حمله ور شده اند سعی در ترغیبهای سیاسی خیابان ۱۶ آذر حرکت می کنند. در این هنگام چند هزار نفر برای پاسداری از دفا تر گروههای انقلابی در خیابان ۱۶ آذر در و این دفا تر حلقه می زنند و شروع بدان شعارهای تهنیتی می کنند. مشتهای گره کرده و فریادهای رسای دانشجویان انقلابی جلوه ای باشکوه از روحیه مقاومت جوانان دانشجویان را آشکار می کند. در این هنگام رفیقانی از دانشجویان پیشگام از فراد زور و در دفا تر چند گروه سیاسی اعلام سکوت میکنند و از همه میخوانند که شعار دهند و صبر کنند تا دانشجویان پیشگام آنها را سازماندهی کنند آنها با ایمن عمل خود از یک سو میگویند روحیه رزمندگی دانشجویان انقلابی را به سکوت و انفعال کشانند و از سوی دیگر با برخورد فریدی و تادیده انگاشتن دیگر گروههای سیاسی از همه می خواهند سکوت کنند و آرام باشند تا دانشجویان پیشگام آنها را سازماندهی کنند!

دانشجویان پیشگام که از صبح خواست مکرر میسب را مبنی بر ایجاد کمیته مشترک مقاومت نادیده گرفته بودند اکنون نیز بطور آشکارا از یک سو با سیفیم و روحیه تسلیم طلبانه خود را بتمایش می گذارند و میخواهند آب سردی بر رویه تعرضی و شعارهای انقلابی جمعیت بریزند و از سوی دیگر با حرکت از خود نودا دیده گرفتن اینکسه در درون جمعیت نیروهای دیگر انقلابی نیز وجود دارند و دفا تر گروههای مختلف سیاسی نیز در آن نعل مستقر است ، سکتا ریم خود را بتمایش میگذارند.

بخشی از جمعیت ساکت میشود. در حالیکه بخش دیگری از جمعیت همچنان شعار می دهند با این وضع نا همگون که زاشیده حرکت فردی و رفقای پیشگام است با اعلان اینکه دانشجویان پیشگام ، مبارز ، هوادار راه کارگر و هوادار سازمان پیکار ، مشغول مذاکره هستند نمایان میگردد.

در هنگام مذاکره دانشجویان پیشگام اعلام می کنند که چون شعار دادن ، ارتجاع را تحریم می کنند و این تحریک موجب ارتجاع به خیابان ۱۶ آذر میشود با پیداشا رندهیم و آرام با ششیم . ولی ما معتقدیم که ارتجاع خودبه دانشگاه حمله کرده است و وقایع اخیر سیاست رژیم را کسه

سرکوب در همه دانشگاههاست بنمایان میگذارد این روحیه تعرضی و مقاومت جویانه ما نیست کسه رژیم را به تهاجم و سرکوب و امیدارد بلکه برعکس ما مورد تهاجم واقع شده ایم و این ما هستیم که بایستی با روحیه مقاومت جویانه در مقابل ارتجاع بایستیم ، ما اعلام می کنیم که بایستی در مقابل پورش ارتجاع خدیدا " و با روحیه مقاومت جویانه ایستاد و اگر نه ارتجاع کسه به آسانی اولین سنگ را متح گرد بقیه سنگرهای ما را نیز درهم خواهد کوبید ، نباید بگذاریم به آسانی بر ما چیره شود ما سخن از مقاومت و پیکار می گوئیم و در این رابطه شعار دادن در محدوده معین را که در جهت تهنیت دانشجویان میشود (محدوده معین به این معنا که شعار دادن بایستی در جهت تقویت روحیه رزمندگی بکار گرفته شود و نه آنکه خود از فرط تر کرد در تمام روز ملال آور و خست کننده شود)

لازم می شرییم باید یکدیگر در جلسه مذاکره به نتیجه واحدی نرسیم و دو جمعیت را شانه میشود. یکی جمعیتی دانشجویان پیشگام و دانشجویان هوادار راه کارگر (دانشجویان هوادار راه کارگر که گره است) در کمیته دفاع از آزادی در دانشگاه با ما مشترکا " شرکت داشتند ما عملا در مقابل دانشجویان پیشگام از سیاست نشستن میان دو - صندلی شصت کرده و اکثرا " با روحیه ای تسلیم طلبانه به دانشجویان پیشگام می پیوستند ، البته در مقابل نیز سعی ما می آمدند به صورت راه کارگر مواضعی نوسانی در میان ما و دانشجویان پیشگام داشت و با به سیاستهای مقاومت جویانه ما می پیوست و با عملا تسلیم روحیه انفعال و سازگاری دانشجویان پیشگام می گردید و خود عملا " از حرکت از سیاست مشخص عاجز بود حرکت های راست این رفقا و اتحاد عملشان در بسیاری از مواقع با نظرات تسلیم طلبانه و پاسیفیستی دانشجویان پیشگام بخوبی نشان میداد که چگونه گردش راست اکنون در ایدئولوژی رفقای راه کارگر در پیوسته عمل خود را می نمایند که بنا بر دست از جمعیت میخوانند تا زنده اند ، زیرا شعار دادنتان موجب حمله ارتجاع به آنان میشود! و یکی جمعیتی ما را پذیرفته و ما می پیوستند (که اعلام میکنند با در مقابل پورش ارتجاع دلاورانه با روحیه ای رزمنده ایستاد و شعار دادن با روحیه رزمندگی ما را نشان داد و ارتجاع را می هراستند و در شرایط کنونی آنچه ارتجاع را به عقب می کشاند روحیه پاسیو بلکه روحیه انقلابی و تعرضی است و از آنجا که شمارها این روحیه را به نمایش می گذارند ما شعار دادن را درست میدانیم اما از آنجا که دانشجویان پیشگام مخالف شمار دادن هستند نمی خواهیم در مقطع کنونی اتحاد عمل دانشجویان انقلابی برهم بخورد ما نیز از دادن شعار می پرهیزیم ضمن آنکه بر عهده راست و نیز سکتا ریم دانشجویان پیشگام را افشا می کنیم (این جمعیتی بحثا " نوشته شد و بخفا " بصورت توضیح شفا می عنوان میشود.) جمعیت ساکت می شود گرچه گا گا می بطور خود بخود جمعیت شعار میدهند و روحیه رزمنده اش را نشان میدهند و نمایان می که خبر میدهند دانشگاه تربیت معلم دوباره توسط دانشجویان انقلابی از چنگ

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی

رژیم استبداد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر